

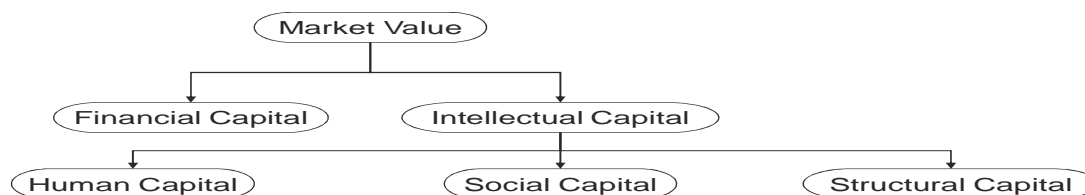
## سرمایه اجتماعی<sup>۱</sup>

### مقدمه

در این گفتار بعد از گفتار سرمایه انسانی به دیگر سرمایه ، سرمایه اجتماعی می پردازیم و جایگاه سرمایه اجتماعی را در نقشه مفهومی بحث خواهیم کرد. اگر دیدگاه بازاری و یا آنچه که در آخر به عنوان ارزش افزوده اقتصادی سنجیده می شود (که البته دیدگاه کاملی نیست ولی دیدگاه غالبی است) مد نظر باشد، نهایتاً مجموعه بین سرمایه های مالی ، فیزیکی ، طبیعی و سرمایه ذهنی باعث ارزش افزوده می شود. سرمایه ذهنی شامل سه سرمایه می باشد سرمایه انسانی ، سرمایه اجتماعی و سرمایه ساختاری. نقشه مفهومی زیر توسط آقای مک الروی<sup>۲</sup> بیان گردیده است .



## Market Value Model



McElroy's modified IC map

Dr. Sidiqul Nazki

زمانیکه درباره سرمایه انسانی بحث می شود یعنی آن دانشی که در تک تک افراد وجود دارد را می توان جمع زد. این سرمایه انسانی در زمان ها و دوره های مختلف معنای خود را داشته است اما همیشه یک امر مشترک داشته است و آن چیزی که در تک تک افراد نهفته است و جمع زده می شود و جمع آن هم چیزی به غیر از مجموع سرمایه انسانی تک تک افراد نیست مگر اینکه چیز دیگری باشد که درباره آن توضیح می دهیم . و در واقع سرمایه انسانی در عصر کشاورزی و عصر صنعتی و عصر دانش هم وجود و معنای خود را داشته است .

<sup>۱</sup> -Social Capital

<sup>۲</sup> -McElroy's

یک شکل خاص از سرمایه انسانی را در دوره اقتصاد دانش مدار و نظام نوآورانه داریم که آن را سرمایه انسانی نوآورانه می گویند که در واقع شکل خاصی از سرمایه انسانی است که در اقتصاد دانش مدار اهمیت بیشتری دارد. این موضوع برای ما اهمیت دارد چرا که با آن مترهای ساده در مورد سرمایه انسانی مثل کمیت تحصیلات نمی توان مسیر انتقالی بین اقتصاد را در دوره های زمانی نشان داد و در واقع تغییرات اقتصاد را منعکس نمی کند. سرمایه انسانی نوآورانه مجموع دانش و مهارت و تجربه ای است که در تک تک افراد جامعه مستتر است که افراد را قادر می کند تا ایده های خود را به ارزش افزوده تبدیل کنند.

مشکل ما در مورد تمرکز روی سرمایه انسانی چیست؟ امروز وقتی صحبت از اقتصاد دانش مدار می شود بحث تولید دانش و بومی سازی آن و ایجاد ارزش افزوده از طریق این دانش، سرمایه اجتماعی محسوب می شود البته در عصر کشاورزی و اقتصاد کشاورزی ممکن است چند نفر در روستایی دانش کشاورزی را بدانند و برای مثال از یک بذر گندم یک خرمی از گندم ایجاد کنند و در واقع یک سرمایه اجتماعی را شکل می دهند در عصر صنعتی این موضوع پر رنگتر می شود اما در اقتصاد نظام نوآورانه در عصر نوآورانه و دانش مدار دیگر ایجاد یک ارزش افزوده اقتصادی حول دانش اصلاً امر فردی نیست بلکه تعامل بین افراد حقیقی و حقوقی اهمیت پیدا می کند و صرف جمع زدن جبری بین سرمایه انسانی و حتی سرمایه نوآورانه انسانی افراد به خودی خود منجر به ارزش افزوده اقتصادی نمی شود. در اینجا مشکل چند تا شد اولاً کمیت سرمایه انسانی با توجه به میانگین سالهای تحصیل در ایران کم می باشد و دوم اینکه جنس این تحصیلات مرغوب نیست برای همین شعار ما و سند چشم انداز ۲۰ ساله ما باید به سمت اقتصاد دانش مدار و حول آن حرکت کنیم و کمیت ها را جبران کنیم و در واقع اگر کمیت ها را هم جبران کنیم و جنس ما مرغوب باشد باز هم در سرمایه انسانی نوآورانه افراد را جدا جدا نمی توان به سمت یک اقتصاد دانش مدار برد و چیزی بیش از آن نیاز است و آن چیزی جز سرمایه اجتماعی نیست. (سوم کمبود در سرمایه اجتماعی) با توجه به بحث فعالیت های اجتماعی، تفاوت بین جمع زدن سرمایه انسانی نوآوری بین تک تک افراد و سرمایه اجتماعی بحث این گفتار محسوب می شود که ما را می تواند به همه چیز برساند. سرمایه اجتماعی ارزشی است که در ارتباط بین افراد (حقوقی و حقیقی جامعه) مستتر است و در تک تک افراد وجود ندارد. این ارزش سوای سرمایه انسانی باید به آن توجه کرد که بحث اعتماد، ارزش های مشترک، شبکه سازی و هنجارهاست که باعث می شود آن بضاعتی که در تک تک افراد است را در جمع نشان دهند. در این خصوص بحث نیاز متقابل و وابستگی متقابل<sup>۳</sup> را داریم که بالاخره تک تک افراد چیزهایی درون خودشان دارند اما در واقع در برخی از قسمت ها ناتوان هستند و همه تجربیات را همه ندارند و باید از نقاط قوت همدیگر استفاده کنند. بحث دیگری به نام عمل متقابل<sup>۴</sup> داریم که در رابطه با این موضوع کارهای زیادی انجام شده است و در تعریف خاص این موضوع داریم که مثلاً کاری برای کسی انجام می شود و در مقابل آن فرد هم برای شما کاری انجام می دهد و در تعریف کلی اگر ما کاری را برای کسی می کنیم

<sup>۳</sup> -Interdependence

<sup>۴</sup> -Reciprocity

به این معناست که انشاءالله کسی هم روزی برای ما کاری را انجام دهد.

مقایسه ساده بین دو تا سرمایه انسانی و اجتماعی را طبق جدول زیر داریم:



## Human vs. Social Capital

	Human Capital	Social Capital
Focus	Individual Agent	Relationships
Measures	Duration of Schooling, Qualifications	Attitudes Membership, Participation, Trust Level
Outcomes	Direct: Income, Productivity Indirect: Health, Civic Activity	Social Cohesion Economic Achievement More Social Capital
Model	Linear	Interactive, Circular

Dr. Saba Nazami

تمرکز در سرمایه انسانی بر تک تک افراد است اما در سرمایه اجتماعی تمرکز در ارتباط بین افراد است. اندازه گیری در سرمایه انسانی بر اساس سال ها و کیفیت تحصیلات می باشد اما در سرمایه اجتماعی نگرش ها، عضویت ها، مشارکت ها و سطح اعتماد معنا دارد. پیامد ها در سرمایه انسانی به طور مستقیم در آمد ها و تولید هاست و به طور غیر مستقیم ارتباط بین سرمایه های انسانی و سلامت و فعالیت های اجتماعی است اما در سرمایه اجتماعی همگرایی و دستاوردهای اجتماعی محسوب می شود. مدل سرمایه انسانی خطی است ولی در سرمایه اجتماعی مدل کاملاً تعاملی و شبکه ای می باشد. اشکال مختلف از سرمایه اجتماعی وجود دارد که البته این سرمایه در اقتصاد های مختلف تعابیر و تعاریف مختلفی دارد در جامعه صنعتی و کشاورزی تعاریف خود را داشته است برای مثال جامعه صنعتی ایتالیا به صورت یک خانواده صنعتی معروف هستند. اما در بحث اقتصاد دانش مدار یک شکل خاص از سرمایه اجتماعی به نام سرمایه اجتماعی نوآورانه شکل گرفته است که در آن تعاملات و هنجارها در نظام نوآورانه مایه ارزش می شود و تک تک افرادی که سرمایه انسانی هستند را به یکدیگر وصل می کنند.

سرمایه اجتماعی نوآوری مجموعه ای از افراد مختلف که به نوعی یادگیرنده محسوب می شوند در هر نهادی یا جامعه ای با همدیگر در تعاملند تا به نحوی آن دانش خود را به اشتراک بگذارند و به ارزش افزوده اقتصادی برسند. اصولاً بحث پیچیدگی نظام نوآورانه را به یاد بیاورم (جلسه ششم) بحث سرمایه اجتماعی نوآوری برای ما اهمیت دارد.

سرمایه ساختاری سرمایه ای است که در زیر ساختارها و نهادها وجود دارد. اگر سند چشم انداز ۲۰ ساله را در نظر بگیریم همه اهدافی را که باید در ۲۰ ساله آینده برسیم از طریق اقتصاد دانش مدار بدست می آوریم باید ابتدا آموزش از نظر کمی و کیفی بهبود یابد و بعد به سمت سرمایه های نوآوری پیش برویم و به طرق مختلف سرمایه اجتماعی را زیاد کنیم اما اگر زیر ساخت های حمایت کننده وجود نداشته باشد آیا این اتفاقات می افتد؟ زیر ساخت هایی که ممکن است از یک انکوباتر تا یک پارک فناوری باشد. می توان گفت که اگر این زیر ساخت ها وجود نداشته باشند حتی اگر تک تک افراد این توان را داشته باشند و ارزش ها نیز مشترک باشد و اعتماد به یکدیگر وجود داشته باشد باز هم نمی توان این مجموعه را به سمت اقتصاد دانش مدار پیش برد پس سرمایه ساختاری در زیر ساخت ها و نهادها الزامی است و دولت هم باید آستین بالا بزند و این سرمایه را با زیر ساخت ها به وجود آورد. پس این سه سرمایه انسانی، اجتماعی و ساختاری در مجموع سرمایه نوآوری گفته می شود و این سرمایه شکل خاصی از سرمایه فکری می باشد. در کل سرمایه اجتماعی ارزشی است مستتر در هنجارها، رفتارها، شبکه ها و نهایتاً آنچه که باعث می شود افراد از سرمایه های جداگانه خودشان به حداکثر شکل استفاده کنند.

سرمایه اجتماعی دارای سه شکل خاص می باشد که مورد بحث قرار می دهیم. یک شکل خاص آن Bonding یا پیوند های بسیار نزدیک بین افراد مثلاً افراد خانواده یا گروه های خاص و به واسطه ی آن ویژگی مشترکی که دارند در آن گروه قرار می گیرند مثل فردی لر که در گروه لرها قرار بگیرد. شکل دیگر سرمایه اجتماعی Bridging گروه های هموزن که در مجموع با افراد سایر گروه های هموزن در درون خود یک گروه هتروژن را تشکیل می دهند مثلاً به واسطه ی انسان بودن و مسلمان بودن در این گروه قرار می گیرند و نه به واسطه مشترکات بین افراد در گروه. شکل سوم سرمایه Linking که بین سطوح مختلف اجتماعی شکل می گیرد.

### **Bonding Social Capital**

Bonding که یک شکل خاص از سرمایه اجتماعی است با توجه به اینکه برای ما ارزش دارد ولی در درون خودش یک بار منفی دارد و در مملکت ما شکل غالب محسوب می شود که در هموزن ها نزدیک و از هتروژن ها دور هستیم و مایی که بالاتر از من قرار می گیرد کوچک می شود و نمی توان انتظاری از این مای کوچک داشت و در واقع محدود به we که بالای ا قرار می گیرد.

### **Bridging Social Capital**

Bridging سرمایه اجتماعی است که مفهوم مثبتی در آن مستتر بوده و یک گره یا ارتباط افقی بین گروه های هتروژن مختلف و پیش زمینه های مختلف قرار می گیرد و مشترکاتی که درون خود یکی ولی بین افراد این ویژگی ها مختلف است

. ادعا می شود و شواهد هم نشان می دهد که این شکل از سرمایه برای مملکت مفید و باعث رشد اقتصادی می شود که البته چیزهای دیگر را نیز ایجاد می کند .

## Linking Social Capital

Linking در سرمایه اجتماعی بین طبقات مختلف و از همه مهمتر بین عوام و خواص است و به شکل خاص قضیه بین دولت و مردم می باشد که در این نوع سرمایه اجتماعی از اعتماد و همگرایی و ارتباطی که بین سطوح مختلف اجتماعی است ، بحث می کنیم که چطور می توان میانجیگری کرد تا این ارتباط بین سطوح مختلف شکل بگیرد تا مردم عوام و خواص بتوانند با یکدیگر در سطوح مختلف اجتماعی ارتباط داشته باشند.

مثالی که برای ایجاد این ارتباط زده می شود نهاد های جامعه مدنی است . برای مثال زمانی از دموکراسی صحبت می شود از رأی و انتخاب و صدا (choice, vote, voice) صحبت می شود بعضی اوقات رای وجود دارد ولی انتخابی در کار نیست و مردم صرفا بین دو نفر حق رای دارند .گاهی ممکن است انتخاب و رأی وجود داشته باشد ولی صدای مردم بیان نشود. در واقع آنچه که ارتباط بین سطوح مختلف اجتماعی برقرار می کند همین نهاد های جامعه مدنی است که در کشورهای توسعه یافته حدود ۱/۲ مردم در این نهادها عضویت دارند یعنی هر فردی در جامعه ۱/۲ صدایش به گوش می رسد. که در جامعه ما در شکل رسمی صفر است و بصورت غیر رسمی آن که برای مثال در مساجد ما وجود دارد خیلی کم رنگ است و ما اگر بخواهیم پلی بزنیم و اعتماد و همگرایی و ارتباطی بین سطوح مختلف اجتماعی برقرار کنیم تشکیل نهاد های جامعه مدنی مهم هستند و ابزاری است برای اینکه دست ما را بگیرند .

## Corporate Social Capital

در Linking هم مردم به دولت و هم دولت به مردم اعتماد می کنند برای مثال جامعه ای که اشکال مشروع اعتراض (تظاهرات و اعتصاب) را قانونی لحاظ کند یعنی دولت به مردم اعتماد دارد. تشکل صنفی می تواند با هماهنگی این اعتراضات را به دولت منتقل کند. از طرفی مردم ممکن است به دولت برای دادن مالیات اعتماد نکنند و آن را فاسد بدانند ولی در یک صنف خاص این اعتماد وجود داشته باشد و از دل و جان هم این مالیات را پرداخت کنند. بنابراین این شکل خاص از سرمایه سازماندهی پیدا می کند و نهادها ، احزاب که به شکلی پل ارتباطی بین مردم و دولت می شوند و شکل خاصی از سرمایه اجتماعی که شکل ساختاری دارد به نام Corporate Social Capital گفته می شود.

سرمایه اجتماعی دارای اجزاء متفاوتی است در خصوص اشکال آن بحث کردیم. وقتی از سرمایه اجتماعی صحبت می شود سه مقوله مطرح می شود. اولین موضوع دسترسی بین افراد می باشد. آیا افراد همدیگر را می شناسند و به همدیگر دسترسی دارند (social network). این موضوع اصل قضیه است اگر مردمی به نماینده انتخابی حوزه خود دسترسی ندارند دیگر

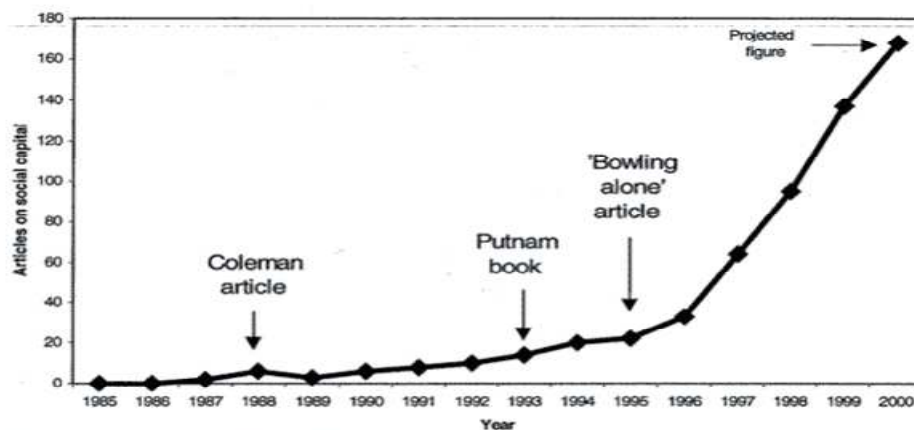
صدا **voice** معنایی پیدا نمی‌کند. بعد از دسترسی ارزش حاکم بر ارتباط می باشد. ارزش ها قوانین نوشته یا ننوشته ای هستند که به ما کمک می کنند و یا سد راه ما می شوند. (Social norm) مثلا اعتماد ارزش خوب حاکم بر ارتباط می باشد. موضوع بعدی **social sanction** است هنجارهای خوب به سختی شکل میگیرد ولی به راحتی شکسته می شود این فرایند تضمین کننده رعایت هنجارها می باشد، مانند قوانین مالکیت معنوی که دولت این کار را انجام میدهد.

بحث سرمایه اجتماعی در یکی دو دهه افزایش پیدا کرده و به آن توجه شده است چرا که شواهد زیادی وجود دارد که چیز خوبی است و در قالب مطالعات متعدد و جنس های مختلف شکل گرفته است که باعث رشد فزاینده اقتصادی در غالب تولید ناخالصی ملی می شود که حتی این سرمایه اجتماعی باعث رشد دستاوردهای تحصیلی و سرمایه در بازار می شود و مستقل از سرمایه انسانی جرم و جنایت را کم می کند و همه کار از جمله باعث سلامتی بیشتر نیز می شود .



## Increasing Interest

**Table 1 : The Exponential Growth in References to Social Capital in the Academic Literature, 1985-2000**



Source : Halpern (2001)

<http://www.cabinet-office.gov.uk/innovation/2001/futures/attachments/socialcapital.pdf>

Dr. Shahram Yazdani

سرمایه اجتماعی مزایای زیادی دارد که روی تک تک آن ها کار شده است و این مزایا با جنس های مختلف سرمایه اجتماعی ، متفاوت است . برای مثال آن شکل از سرمایه اجتماعی **Bonding** که در درون خانواده وجود دارد که در مراحل اولیه رشد و نمو ، دوران کودکی و نوجوانی رشد زیادی دارد و اگر این شکل از سرمایه قوی باشد بچه ها دوران کودکی قوی خواهند داشت . در ایران این شکل از سرمایه اجتماعی قوی می باشد ولی در آمریکا شکل **Bridging** که باعث سلامت و رشد اجتماعی می شود قوی است . که البته ما همه این ها را با هم می خواهیم و می تواند چیز خوبی به ما بدهد .



مطالعات جداگانه ای هم انجام گرفته که ریزتر وارد این بحث ها شده است از جمله اینکه هرچه ارتباط های اجتماعی افراد متنوع تر باشد کم تر سرماخورده می شود و یا هر چه ارتباط اجتماعی در سطح خانواده قوی تر باشد عوارض سکنه مغزی زودتر بهبود می یابد و اثر حفاظت کننده سرمایه اجتماعی در میزان ترک سیگار مشاهده شده است و هر چه سرمایه اجتماعی بالاتر باشد میزان افسردگی کم تر و شادتر هستند و همچنین میزان حملات قلبی کم تر است و در بررسی دیگر مشخص شد که در افراد میانسال به بالا صرف عضویت و تعلق داشتن به یک گروه ، میزان مرگ و میر در طول یکسال عادی را نصف می کند و در واقع ۵۰ درصد کاهش مرگ و میر در طول سال آتی را به همراه خواهند داشت .

بررسی های دیگر ارتباط بین سرمایه اجتماعی با میزان شادی طبق نمودار زیر نشان داده است که از کارهای داوطلبانه اجتماعی تا رفتن به کلیسا محسوب می شود .



## Social Capital and Happiness

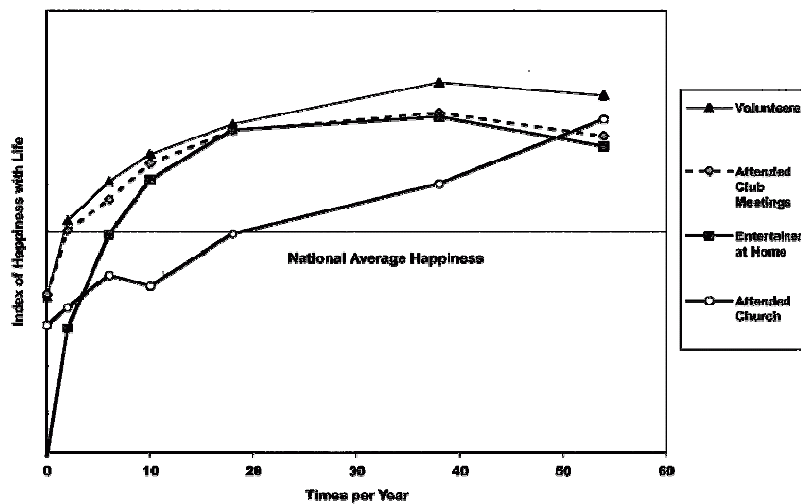


Figure 88: Social Connectedness (at Least in Moderation) Fosters Happiness

Dr. Shahram Nazdani

Nov 9, 2011 11:00 am

Geog 3432

سرمایه اجتماعی چیز خوبی است تعریفش کردیم انواعش را گفتیم اما در بعضی از کشورها این سرمایه اجتماعی افت پیدا کرده است مثل کشور آمریکا ، استرالیا و در برخی از کشورها که تعدادشان هم نسبت به کشورهای دیگر کم است این سرمایه اجتماعی افزایش پیدا کرده است مثل کشورهای آلمان ، ژاپن، هلند و سوئد و البته در برخی از کشورها بعضی از اجزای سرمایه اجتماعی بهبود پیدا کرده است که نمی شود قضاوت کلی کرد . مثلاً شکل خاصی از سرمایه اجتماعی مثل Bonding افزایش پیدا کرده است .



اما بحث کلی این است که سرمایه اجتماعی قبل از جنگ جهانی دوم به اوج خود رسیده بود ولی بعد از آن کاهش یافته است. اخیراً هم مطالعه ای در رابطه با افراد جامعه شده است که آقای Mailgrams از روانشناسان اجتماعی بررسی کردند که یک آدم معمولی در جامعه با چه افرادی در ارتباط است و این افراد هم با چه کسانی در ارتباط هستند و تعامل، اعتمادشان و رفت و آمد با یکدیگر چگونه است که نتایج مطالعه در آمریکا افشاح بود و این ارتباطات و رفت و آمد ها نسبت به قدیم کم شده است و در جوامع صنعتی دنیای افراد خیلی کوچک شده است.

از سال ۱۹۰۰ تا ۲۰۰۰ تغییرات سرمایه اجتماعی بررسی شده است که در ابتدا سیر فزاینده ای داشته است بعد در دوره رکورد اقتصادی و بین جنگ جهانی اول و دوم کم می شود و بعد افزایش می یابد و تا حدود جنگ جهانی دوم سرمایه اجتماعی به اوج می رسد و بعد از آن که تا حدود ۵ دهه افت سرمایه اجتماعی در دنیا را تجربه کردیم که همچنان کم می شود. ما سعی داریم در جوامع این سرمایه اجتماعی را زیاد کنیم برای همین این موضوع هدف بسیاری از دولت ها قرار گرفت. در مملکت خود ما در ۱۲ سال پیش در سازمان مدیریت برنامه ریزی بحث شد که اگر بخواهیم یک کار را انجام بدهیم بهتر است سرمایه اجتماعی را افزایش دهیم و ما می دانیم که اگر بخواهیم چیزی را مدیریت بکنیم باید بتوانیم آن را اندازه گیری کنیم به همین علت تب اندازه گیری و مترهای مختلف سرمایه اجتماعی شکل گرفت.



## Trends in Social Capital

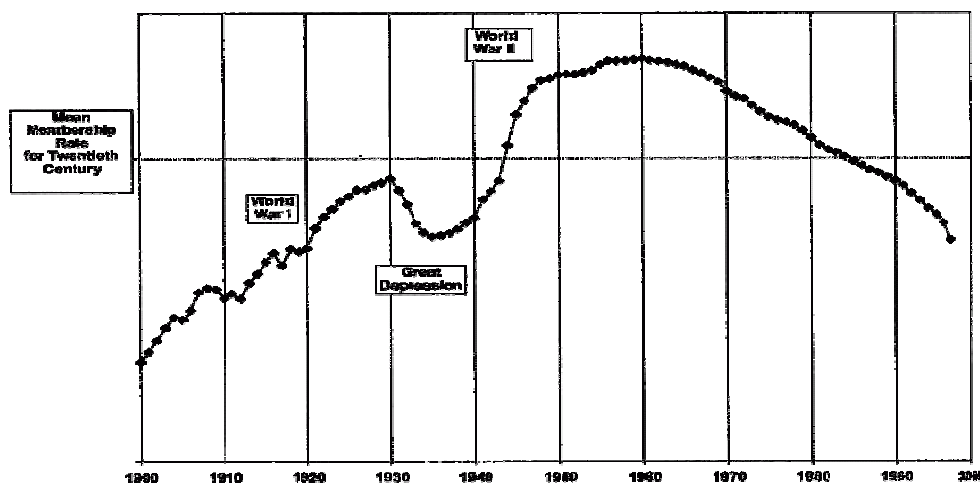


Figure 8: Average Membership Rate in Thirty-two National Chapter-Based Associations, 1900-1997

حول مفهوم سرمایه اجتماعی مفهوم کلیدی دیگری به نام اعتماد اجتماعی<sup>۵</sup> دائماً مطرح می شود که برای اندازه گیری سرمایه اجتماعی می توان از یک امر و جزء ثابت قضیه "اعتماد اجتماعی" استفاده نمود و با مفهوم اعتماد اجتماعی پرسشهای ساده ای طرح می شد. چرا که نمی توانستید سراغ مردم بروید و از تعاملات و یا هنجارهای حاکم بر تعاملات آن ها سوال کنید ولی خیلی ساده می توان از مردم سوال کرد که چقدر به دولت اعتماد دارند، آیا به مردم کیف پول خود را می سپارند یا اعتماد می کنند کارت بانکی بدهند و یا فرزندشان را به آن ها بسپارند و در واقع اعتماد اجتماعی راحت اندازه گیری می شود و عملاً کمی شدن اعتماد اجتماعی، اعتماد اجتماعی جای سرمایه اجتماعی را می گیرد.

اعتماد اجتماعی خیلی مهم است و کار زیادی هم روی آن انجام شده است و در بررسی از ۱۰۰ نمره مثلاً سوئد ۵۹ یا دانمارک ۵۷ و یا ژاپن ۴۶ و ... ( که در جدول زیر مشاهده می کنید ) و ایران یک و خورده ای است که خیلی عدد کمی است و در بررسی ها در مملکت ما یک شهروند معمول ایرانی قابل اعتماد نیست .

## Percentage of People Saying that Most People can be Trusted.



### OECD Members

Norway	65.3	Italy*	35.3
Sweden	59.7	Belgium*	33.2
Denmark*	57.7	Austria*	31.8
Netherlands*	55.8	United Kingdom	31.0
Canada*	52.4	Korea	30.3
Finland	47.6	Czech Republic*	30.3
Ireland*	47.4	Spain	29.8
Japan	46.0	Mexico	28.1
Iceland*	43.6	Hungary*	24.6
Germany	41.8	France*	22.8
Switzerland	41.0	Portugal*	21.4
Australia	39.9	Turkey	6.5
United States	35.6		

### Non-OECD Members

India	37.9	South Africa	18.2
Chile	21.9	Argentina	17.5
Nigeria	19.2	Brazil	2.8

Dr. Shahram Yazdani

۱۰ سال پیش در سخنرانی که در شهر شیراز برای ۴۰۰ نفر عضو هیئت علمی داشتیم سوالی پرسیده شد مبنی بر اینکه چند نفر از شما حاضرید کارت بانکی یا فرزند خود را به شهروند دیگری بدهید؟ که هیچ کدام از افراد دست خود را به نشانه پاسخ مثبت بالا نبردند و همچنین در بررسی دیگر بالاترین میزان اعتماد اجتماعی در شهر تبریز و پایین ترین میزان اعتماد

<sup>۵</sup> -Social trust

اجتماعی در شهر های مذهبی مثل قم و مشهد است. خلاصه بحث ما تا الان آن چیزی که خوب است و در دنیا دارد کم می شود در مملکت ما خیلی وقت است که کم شده است . اعتماد و سرمایه اجتماعی ، قلب نظم اجتماعی می باشد و اگر وجود نداشته باشد شما مجبور به داشتن بازوی فلج و غیر قابل اعتماد نیروهای نظامی و انتظامی دولت هستید. پس با داشتن اعتماد می توان یک نظم اجتماعی را برقرار کرد و خیلی این موضوع مهم می باشد .

## Social Cohesion

مفهوم دیگری که در بحث اندازه گیری سرمایه اجتماعی و در کنار اعتماد سرمایه بحث می شود، همگرایی اجتماعی است. در این خصوص می توان سوالات خیلی خوب مطرح کرد و با پاسخ های قابل اعتماد به آن رسید و پاسخ ها با سازه انتزاعی سرمایه اجتماعی همگرایی دارد. همگرایی در سطح جامعه و موسسه و یا کشور معنا دارد که Social Cohesion گویند و در واقع آن نیرویی است که باعث می شود افراد جامعه به گروه ها و به همدیگر تعلق داشته باشد و از همدیگر جدا نشوند و مقاومت اعضاء برای اینکه از هم جدا نشوند Cohesion یا همگرایی گفته می شود.

اینکه افراد در جامعه به طرق مختلف به همدیگر وابسته باشند و نیاز همدیگر را برآورده کنند و اگر یک رابطه شکسته شود این ارتباط از بین نمی رود چون از طرفهای دیگر با هم در ارتباط هستند و آنچه که سرمایه اجتماعی را شکل می دهد مسیرهای متعدد است و در واقع گروهی دارای همگرایی اجتماعی است که به سادگی بین آن ها تفرقه نمی افتد . وقتی بخواهیم همگرایی اجتماعی را بسنجیم از مردم سوال می شود و در مورد چیزهایی پرسیده می شود(اسلاید زیر) از جمله آیا به جامعه تعلق دارید یا جدا افتاده اید و در مورد ارزش و هویت مشترک و احساس تعهد آن ها در مورد شامل بودن و یا نبودن برای مثال آیا در جامعه با شما هم مثل سایرین رفتار شده است که شامل بودن را می رساند . آیا با شما جدا رفتار می شود یا جزء شهروندان درجه ۲ و ۳ هستید که شامل نبودن را بازگو می کند . آیا شما را بازی می دهند یا بازی نمی دهند . آیا به شما احترام می گذارند یا نمی گذارند . آیا مشروعیت دارید یا نه . و در واقع با طرح انواع مختلف سوال، ابعاد متفاوت همگرایی اجتماعی اندازه گیری می شود.

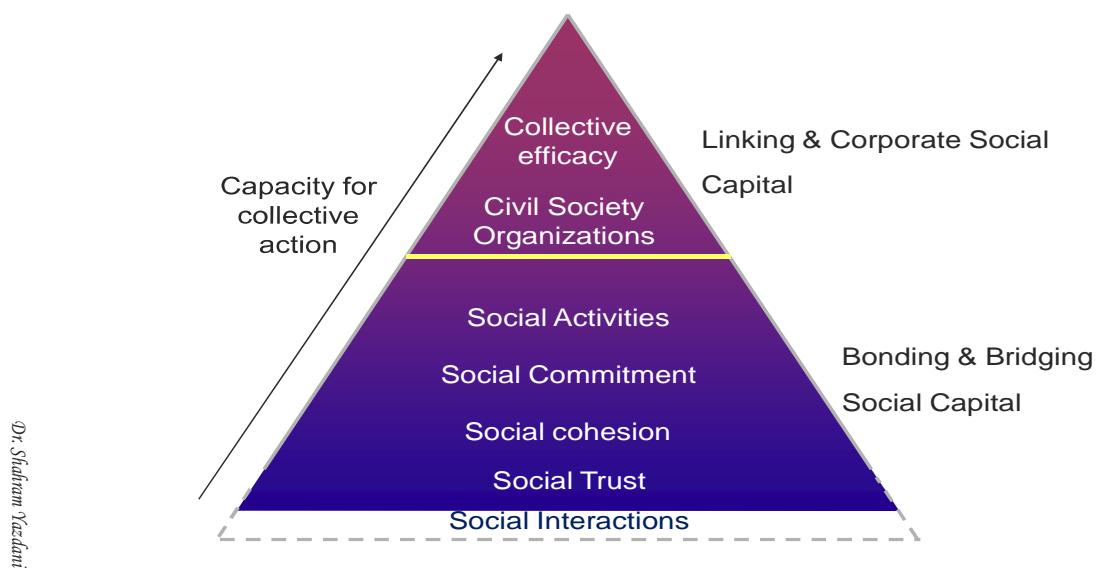
## Dimensions of social cohesion

- **Belonging vs. Isolation**
  - Which means shared values, identity, feeling of commitment
- **Inclusion vs. Exclusion**
  - Which concerns equal opportunities of access
- **Participation vs. Non-involvement**
- **Recognition vs. Rejection**
  - Which addresses the issue of respecting and tolerating differences in a pluralistic society
- **Legitimacy vs. Illegitimacy**
  - With respect to the institutions acting as mediator in conflicts of a pluralistic society



در کف هرمی که در زیر مشاهده می فرمایید بحث تعاملات اجتماعی است و در جامعه ای که تعاملات اجتماعی وجود ندارد مباحث اعتماد و همگرایی و ارتباطات معنا ندارد . بعد از کف هرم بحث اعتماد اجتماعی است و اگر تعاملات به شکلی باشد که اعتماد بین افراد مختلف و یا سطوح و یا گروه های مختلف اجتماعی شکل بگیرد به نظر می آید اولین اتفاق خوب افتاده است و این موضوع باعث همبستگی می شود و به سادگی این افراد و گروه ها از هم جدا نمی شوند که به آن همگرایی اجتماعی گفته می شود و این افراد که حس وابستگی می کنند حالا نسبت به منافع جمع هم متعهد می شوند و بحث سرمایه اجتماعی بحث منافع من و ما است که منافع ما و اهدافشان تعهد ایجاد می کند و قبلاً منافع من مد نظر بود اما اکنون منافع جمع مهم است و به آن متعهد می شویم . با وجود اینکه ممکن است چیزهای از منافع شخصی مثل زمان را از دست بدهیم .

## Community Vitality



طبق هرم روی تعاملات اجتماعی، اعتماد اجتماعی و روی اعتماد اجتماعی، همگرایی اجتماعی و روی آن فعالیت های اجتماعی سوار است فعالیت هایی مثل اینکه عضو هئت علمی به مدیر گروه خود متعهد می شود که کارهایی آموزشی و پژوهشی را انجام دهد و در واقع این چهار مورد Social / Social Commitment/Social Activities / Bonding & Bridging سرمایه اجتماعی نشأت گرفته است . تعامل اجتماعی در کف هرم باعث می شود جامعه زنده بماند و اینطور نیست که افراد تک تک به فکر منافع خودشان باشند و در واقع خدمت به چیزی به جزء خودمان است همینطور که به سمت بالا می رویم بحث تسهیل این قضیه و افزایش Linking & Corporate Social Capital مطرح می شود که نهایتاً باعث efficacy

Collective می شود یعنی efficacy یک جمع که از مجموع افراد جمع بیشتر می شود. البته این همیشه رخ نمی دهد و این Collective efficacy ممکن است یک عدد منفی باشد و شواهد نشان می دهد که سرمایه اجتماعی پایین باعث می شود Collective efficacy کمی داشته باشیم و efficacy Collective در مجموع از efficacy تک تک مردم کمتر باشد چون دست و پای همدیگر را می گیریم که این مبحث دو شکل Linking & Corporate Social Capital از سرمایه اجتماعی معنا پیدا می کند. کل هرم یعنی ظرفیت کار جمعی را داشته باشیم و در اقتصاد جدید کل قضیه و بحث در مورد collective action است. کل قضیه موعظه بود تا اینجای کار، که البته کل این ها قابل مداخله می باشند و تک تک مداخله پذیر هستند. پس کشورهای مختلف برنامه افزایش سرمایه اجتماعی دارند یا می خواهند داشته باشند که در کشور ما این برنامه ها وجود ندارد.